

تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ بر هویت ورزشی دانشجویان دانشگاه بیرجند

محمد حسن توکلی^۱، دکتر محمد کشتی‌دار^۲، دکتر جعفر خوشبختی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۶

چکیده

هدف از انجام پژوهش نیمه تجربی حاضر، بررسی تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی یک و دو دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان است. بدین منظور، مقیاس ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی ساخته شده توسط چزلاک (۲۰۰۴) در دو مرحله اولین و آخرین جلسه کلاس‌های تربیت بدنی عمومی یک و دو نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸، در اختیار ۳۸۷ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه بیرجند با میانگین سنی 20.54 ± 1.79 قرار گرفت. نمونه آماری به‌طور تصادفی با تخصیص متناسب در هر طبقه انتخاب و به چهار گروه تقسیم شدند که عبارتند از: تجربی واحد عمومی ۱ ($N=150$)، کنترل واحد عمومی ۱ ($N=40$)، تجربی واحد عمومی ۲ ($N=159$) و کنترل واحد عمومی ۲ ($N=40$). روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان و ثبات درونی آن نیز در مطالعه‌ای مقدماتی با آلفای کرونباخ 0.89 تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف، t گروه‌های همبسته و t گروه‌های مستقل در سطح معنی‌داری $p < 0.05$ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ ($t = -1/863, p = 0/065$) و تربیت بدنی عمومی ۲ ($t = -1/333, p = 0/185$) دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار نیستند، در حالی که واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به‌طور معنی‌داری بر خرده‌مقیاس‌های انحصارگرایی ($t = -3/767, p = 0/001$)، هویت اجتماعی ($t = 4/693, p = 0/001$)، تأثیرپذیری منفی ($t = 2/038, p = 0/043$) و هویت خود ($t = -3/183, p = 0/002$) دانشجویان تأثیرگذار بوده و واحد تربیت بدنی عمومی ۲ تنها بر خرده‌مقیاس هویت خود آزمودنی‌ها تأثیرگذار است ($t = -3/162, p = 0/002$). بر پایه یافته‌ها، واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند در دست‌یابی به اهداف خود که مهم‌ترین آن‌ها بهبود نگرش و مشارکت مورد انتظار از سوی دانشجویان است ناتوان به نظر می‌رسند.

کلیدواژه‌های فارسی: واحد تربیت بدنی عمومی، هویت ورزشی، دانشجویان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) Email: Mashad_yoga@yahoo.com

۲ و ۳. استادیار دانشگاه بیرجند Email: mohammad_kash2002@yahoo.ca

Email: jafar_khoshbakhti@yahoo.com

مقدمه

بررسی اندیشه‌ها و الگوهای تربیتی در طول قرن‌ها نشان می‌دهد ورزش و تربیت بدنی در بافت نظام آموزشی جایگاهی متمایز و برجسته یافته و ضمن استفاده گسترده در حوزه‌های مختلف اجتماعی به میانجی‌ای تربیتی برای جامعه‌شناسان و سایر متخصصان تبدیل شده است. زمانی که صحبت از اهداف تعلیم و تربیت به میان می‌آید، تربیت بدنی و علوم ورزشی از مهم‌ترین ابزارهایی است که کمک می‌کند اهداف مذکور از طریق طراحی برنامه‌هایی سالم و کاربردی محقق شود. دست‌اندرکاران آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته دریافته‌اند که سرمایه‌گذاری و توجه هر چه بیشتر به تربیت بدنی و علوم ورزشی می‌تواند ضمن تغییر نگرش دانشجویان در جهت مثبت، چشم‌انداز سلامت و بهره‌وری جامعه را نیز بهبود بخشد (۱). به این منظور، واحدهای تربیت بدنی عمومی دوره‌هایی آموزشی هستند که در پی پژوهش‌های بسیار در مورد ضرورت تربیت بدنی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی تدوین شده‌اند و بدون شک اجرای اثربخش آن‌ها می‌تواند بر اهداف مورد انتظار جامعه، به‌ویژه رشد و توسعه هویت جوانان که از ضرورت‌های دنیای معاصر محسوب می‌شود تأثیرگذار باشد.

آنچه نگران‌کننده است، نبود شناخت کافی از وضعیت محتوا و نحوه اجرای واحدهای تربیت بدنی عمومی از یک سو و نتایج برخی پژوهش‌ها مبنی بر اثربخش نبودن این واحدهای آموزشی از سوی دیگر است؛ بنابراین ضروری است که متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی، سرمایه‌گذاری علمی و پژوهشی مشخصی را به بررسی وضعیت واحدهای مذکور و ارائه راه-کارهای کاربردی و اثربخش در این خصوص اختصاص دهند. قنبرزاده (۱۳۷۰) با بررسی کارآیی و نحوه اجرای واحدهای تربیت بدنی عمومی را در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، تأثیر این واحدها را به‌ویژه بر ارتقای سطح آمادگی دانشجویان غیراثربخش ارزیابی کرده است (۲). رضانی (۱۳۸۱) مهم‌ترین مشکل اجرایی این واحدها را نبود انگیزه‌دهنده دانشجویان ذکر کرده (۳) و بنیان و کاشف (۱۳۸۳) نیز بر ارتقای محتوای این واحدهای آموزشی تأکید می‌ورزند (۴)، ولی تاکنون در زمینه میزان تأثیرگذاری واحدهای تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان تحقیقی در ایران انجام نشده است.

هویت ورزشی میزان قدرت و درجه‌ای است که فرد خود را ورزشکار شناسایی می‌کند و به مشارکت ورزشی خود متعهد می‌شود (۵). افرادی که هویت ورزشی قوی دارند، ارزش «خود» را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار می‌دهند و تمایل دارند عزت نفس خود را از طریق هویت ورزشی قوی خود تقویت کنند؛ در نتیجه اغلب این افراد بر اساس میزان مشارکتشان در ورزش، هویت

خود را تقویت می‌کنند (۶). مدل‌های پیشرفته‌ی هویت ورزشی از دید تعامل‌گرایانه‌ی نمادینی استفاده می‌کنند که بر درک و توضیح چگونگی تأثیر ساختارهای اجتماعی (مؤلفه‌های بیرونی) و خودارزیابی (مؤلفه‌های درونی) بر «خود» و رفتار اجتماعی تمرکز دارند. فرآیند اجتماعی شدن شامل مؤلفه‌های بیرونی چون خانواده، دوستان، مربیان، معلمان و رسانه است که بر درجه‌ی مشارکت ورزشی فرد و در ادامه، بر رشد «خود» و قدرت هویت ورزشی وی تأثیر می‌گذارند (۷). واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه‌ها فرصتی است که می‌توان از طریق آن نقش ورزشی افراد را تقویت و زمینه را برای ارتقای مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی که هدف غایی آن توسعه‌ی نگرش مثبت دانشجویان به ورزش و فعالیت بدنی و ارتقای سطح مشارکت ورزشی آنان است فراهم نمود.

مدل پیشرفته‌ی هویت ورزشی که در تحقیق حاضر به‌عنوان مدلی پایه از آن استفاده شده است، دو مؤلفه‌ی بیرونی (انحصارگرایی^۱ و هویت اجتماعی^۲) و درونی (هویت خود^۳، تأثیرپذیری منفی^۴ و تأثیرپذیری مثبت^۵) را به‌عنوان شاخص‌های تعیین هویت ورزشی معرفی می‌کند (۷). عناصر تعیین‌کننده‌ی هویت اجتماعی، مرجع‌گزارش فرد از شناخت اجتماعی او از ورزش‌اند و انحصارگرایی نیز به اهمیت ورزش، در مقایسه با فعالیت‌های دیگر اشاره دارد (۸). عامل هویت خود، ادراکات مربوط به «خود» را ارائه کرده و عناصر منعکس‌کننده‌ی تأثیرپذیری منفی، به احساسات نامطلوب حاصل از بازخوردهای منفی مشارکت ورزشی مربوط می‌شوند. تأثیرپذیری مثبت که به‌عنوان عاملی جدید به مدل‌های پیشرفته‌ی هویت ورزشی اضافه شده است، به ارزیابی مشارکت ورزشی فرد می‌پردازد و بر احساسات مثبت وی در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (۷).

نتایج برخی پژوهش‌ها از وجود تفاوت در هویت ورزشی افراد خبر داده و بیان می‌کنند که هویت ورزشی افراد به تفکیک سطح مشارکت ورزشی تغییر می‌کند. آنان افزایش هویت ورزشی را در نتیجه‌ی افزایش مشارکت ورزشی محتمل می‌دانند و بر آن تأکید می‌ورزند (۹-۱۱). با این حال، نتایج برخی پژوهش‌ها با موارد فوق ناهمخوان است (۱۲، ۱۳). به عقیده‌ی برور^۶ (۱۹۹۳) افرادی که نمره‌ی بالاتری در مقیاس هویت ورزشی کسب می‌کنند، علاقه‌ی بیشتری برای حضور در

-
- 1.Exclusivity
 - 2.Social identity
 - 3.Self identity
 - 4.Negative affectivity
 - 5.Positive affectivity
 - 6.Brewer

برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی دارند که نشان‌دهنده مثبت‌تر شدن نگرش آنان به ورزش و فعالیت بدنی است (۵). مایلز و کریستنسن^۱ (۲۰۰۶) هویت ورزشی سه گروه ورزشکاران نخبه، تفریحی و غیرورزشکار را بررسی کردند و دریافتند که افراد غیرورزشکار در هر سه خرده‌مقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی، نمره کمتری کسب کردند، در حالی که بین ورزشکاران نخبه و تفریحی در خرده‌مقیاس‌های انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد (۱۴). آندرسون^۲ و همکاران (۲۰۰۷) رابطه میان هویت ورزشی و رفتار تمرینی را بررسی و بیان کردند بین رفتار تمرینی، تناوب تمرینی و هویت ورزشی دانشجویان رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد (۱۵). دریک^۳ (۲۰۰۸) به بررسی هویت ورزشی دانشجویان ورزشکار پرداخته، بیان می‌کند بین هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک جنسیت، نژاد، سال ورود به دانشگاه و سابقه ورزشی تفاوتی معنی‌دار وجود دارد (۱۶).

به‌طور کلی، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذارند یا خیر. پاسخ به این سؤال می‌تواند به دست‌اندرکاران تربیت بدنی در ارائه راه‌کارهای اثربخش‌تر به‌منظور ارتقای سطح کیفی واحدهای تربیت بدنی عمومی دانشگاه بیرجند یاری نماید. ضمن اینکه آگاهی از وضعیت هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ این امکان را به مربیان می‌دهد که برنامه‌های خود را بر مبنای ظرفیت تصمیم‌گیری دانشجویان در قبال مشارکت ورزشی توسعه دهند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات نیمه‌تجربی^۴ است. به همین منظور از مقیاس ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی ساخته شده توسط چزلاک (۲۰۰۴) استفاده شد. این مقیاس، پنج خرده‌مقیاس دارد که عبارتند از: هویت اجتماعی (۵ گزینه)، انحصارگرایی (۵ گزینه)، هویت خود (۴ گزینه)، تأثیرپذیری منفی (۴ گزینه) و تأثیرپذیری مثبت (۴ گزینه). ابزار تحقیق در دو مرحله اولین و آخرین جلسه کلاس‌های تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸، در اختیار ۳۸۷ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه بیرجند با میانگین سنی 20.54 ± 1.79 قرار گرفت. از مقیاس ۱۰ ارزشی (صفر=کاملاً مخالف تا ۱۰=کاملاً موافق) نیز برای کمی کردن آن استفاده شد. جدول ۱ مقیاس‌ها، گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ مقیاس اندازه‌گیری هویت

-
1. Mills & Christensen
 2. Anderson
 3. Derick
 4. Semi-experimental

ورزشی را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۱. خرده‌مقیاس‌ها، گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ مقیاس اندازه‌گیری هویت ورزشی

ردیف	خرده‌مقیاس	گویه	آلفای کرونباخ
۱	هویت اجتماعی	۳، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۹	۰/۷۰
۲	انحصارگرایی	۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰	۰/۸۷
۳	هویت خود	۱، ۲، ۱۳، ۲۱	۰/۷۹
۴	تأثیرپذیری مثبت	۷، ۹، ۱۲، ۱۸	۰/۷۸
۵	تأثیرپذیری منفی	۱۰، ۱۵، ۱۶، ۲۲	۰/۶۴
۶	هویت ورزشی	۲۲ گویه	۰/۹۱

بالا بودن نمره خرده‌مقیاس «هویت اجتماعی» نشان‌دهنده برجسته‌تر بودن نقش ورزشی فرد در شناخته شدن اجتماعی وی است. بالا بودن نمره خرده‌مقیاس «انحصارگرایی» نشان می‌دهد فرد، در مقایسه با دیگر فعالیت‌های روزمره، زمان زیادی را به فعالیت‌های ورزشی اختصاص می‌دهد. بالا بودن نمره خرده‌مقیاس «هویت خود» مرجعیت گزارش فرد از خود را به‌عنوان ورزشکار مشخص می‌کند. بالا بودن نمره خرده‌مقیاس «تأثیرپذیری مثبت» نشان می‌دهد شرکت در فعالیت‌های ورزشی سبب می‌شود احساسی بسیار مطلوب در فرد به‌وجود آید، در حالیکه بالا بودن نمره خرده‌مقیاس «تأثیرپذیری منفی» نشانگر به‌وجود آمدن احساسی بسیار نامطلوب حاکی از موفق نبودن در فعالیت‌های ورزشی است.

نمونه آماری به‌طور تصادفی با تخصیص متناسب در هر طبقه انتخاب و به چهار گروه تقسیم شدند: تجربی واحد عمومی ۱ (N=۱۵۰)، کنترل واحد عمومی ۱ (N=۴۰)، تجربی واحد عمومی ۲ (N=۱۵۹) و کنترل واحد عمومی ۲ (N=۴۰). با توجه به اینکه نوع تحقیق نیمه‌تجربی است و منوط به حضور داوطلبان آزمودنی‌هاست، نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی در دسترس انجام شد، با این حال با توجه به نحوه تدریس استاد و رشته ورزشی کلاس، به‌ویژه در واحد تربیت بدنی عمومی ۲ تلاش شد از تخصیص متناسب در هر طبقه استفاده شود؛ یعنی نمونه‌ها طوری انتخاب شوند که اثر نحوه تدریس و رشته ورزشی حذف شود.

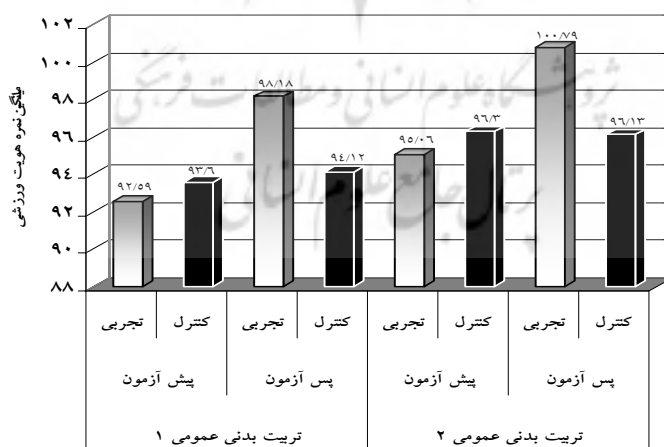
نمونه‌گیری به شکلی انجام شد که از تمامی کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشجویان دختر و پسر، تعدادی از دانشجویان به‌طور تصادفی انتخاب شوند تا اثر نحوه تدریس استاد، زمان برگزاری کلاس و رشته ورزشی تدریس‌شده در واحد تربیت بدنی عمومی ۲ نیز در تحقیق حاضر لحاظ شود، ضمن اینکه گروه‌های کنترل از ۶۰ روز قبل از انجام پیش‌آزمون تا پایان پس‌آزمون هیچ‌گونه فعالیت بدنی نداشتند و گروه کنترل واحد عمومی ۲ نیز واحد تربیت

بدنی عمومی ۱ را در ترم‌های تحصیلی گذشته گذرانده بودند. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان و ثبات درونی آن نیز در مطالعه‌ای مقدماتی با آلفای کرونباخ $0/۸۹$ تأیید شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنف، t گروه‌های همبسته و t گروه‌های مستقل در سطح معنی‌داری $P < 0/۰۵$ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

میانگین نمره هویت ورزشی گروه تجربی واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در پیش‌آزمون $\pm ۳۴/۶۴$ بود که با $۴/۵۸$ افزایش به میزان $۹۸/۱۸ \pm ۳۴/۰۲$ رسید ($t = -۱/۸۶۳$, $P = 0/۰۶۵$)، در حالی که یافته‌های آزمون t گروه‌های مستقل و مقایسه تفاضل پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های تجربی و کنترل واحد تربیت بدنی عمومی ۱ نشان داد بین تغییرات هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک گروه‌های تجربی و کنترل تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($t = 0/۸۸۷$, $P = 0/۰۰۱$). میانگین نمره هویت ورزشی گروه تجربی واحد تربیت بدنی عمومی ۲ در پیش‌آزمون $\pm ۳۶/۸۷$ بود که با $۵/۷۵$ افزایش به میزان $۱۰۰/۷۹ \pm ۳۹/۸۱$ رسید ($t = -۱/۳۳۳$, $P = 0/۱۸۵$) و این در حالی است که تفاوت معنی‌داری بین تفاضل پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های تجربی و کنترل واحد تربیت بدنی عمومی ۲ مشاهده شد ($t = 0/۷۳۲$, $P = 0/۰۰۱$).

نمودار ۱ میانگین نمره هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ و جدول ۲ آماره‌های مربوط به مقایسه نمرات هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ را به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.



نمودار ۱. میانگین نمره هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل به تفکیک واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲

جدول ۲. آماره‌های مربوط به مقایسه نمرات هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون

سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های مستقل		واحد تربیت بدنی ۱
				کنترل	تجربی	
۰/۵۳۹	-۰/۱۶۶	۳۴/۶۴	۹۲/۵۹	کنترل	پیش‌آزمون	واحد تربیت بدنی ۱
		۳۰/۹۳	۹۳/۶۰	تجربی		
۰/۵۶۴	۰/۶۶۹	۳۴/۰۲	۹۸/۱۸	کنترل	پس‌آزمون	
		۳۲/۵۹	۹۴/۱۲	تجربی		
۰/۰۰۱**	۰/۸۸۷	---	۴/۵۸	کنترل	تفاضل	
		----	۰/۵۲	تجربی		
سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های وابسته		واحد تربیت بدنی ۲
۰/۰۶۵	-۱/۸۶۳	۳۴/۶۴	۹۲/۵۹	پیش‌آزمون	گروه تجربی	
		۳۴/۰۲	۹۸/۱۸	پس‌آزمون		
سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های مستقل		
۰/۰۶۹	-۰/۱۸۹	۳۶/۸۷	۹۵/۰۶	تجربی	پیش‌آزمون	
		۲۸/۳۱	۹۶/۳۰	کنترل		
۰/۰۲۹*	۰/۶۵۸	۳۹/۸۱	۱۰۰/۷۹	تجربی	پس‌آزمون	
		۲۸/۳۰	۹۶/۱۳	کنترل		
۰/۰۰۱**	۰/۷۳۲	---	۳/۷۰	تجربی	تفاضل	
		----	-۰/۱۶۶	کنترل		
سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های وابسته		
۰/۱۸۵	-۱/۳۳۳	۳۶/۸۷	۹۵/۰۶	پیش‌آزمون	گروه تجربی	
		۳۹/۸۱	۱۰۰/۷۹	پس‌آزمون		

یافته‌ها نشان داد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به‌طور معنی‌داری بر خرده‌مقیاس‌های انحصارگرایی ($t=-۳/۷۶۷, P=۰/۰۰۱$)، هویت اجتماعی ($t=۴/۶۹۳, P=۰/۰۰۱$)، تأثیرپذیری منفی ($t=۲/۰۳۸, P=۰/۰۴۳$) و هویت خود ($t=-۳/۱۸۳, P=۰/۰۰۲$) دانشجویان تأثیرگذار است و واحد تربیت بدنی عمومی ۲ نیز تنها بر خرده‌مقیاس هویت خود آزمودنی‌ها تأثیرگذار است ($t=-۳/۱۶۲, P=۰/۰۰۲$).

ضمناً نتایج تحقیق نشان داد بین تأثیرگذاری واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه

بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($t=0/231$, $P=0/813$). جدول ۳ آماره‌های مربوط به مقایسه تفاضل پس‌آزمون و پیش‌آزمون گروه‌های تجربی تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ را به تفکیک متغیرهای هویت ورزشی نشان می‌دهد.

جدول ۳. آماره‌های مربوط به مقایسه تفاضل پس‌آزمون و پیش‌آزمون گروه‌های

تجربی تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ به تفکیک متغیرهای هویت ورزشی

سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های مستقل	
0/813	0/231	28/94	4/580	عمومی ۱	هویت ورزشی
		31/63	3/700	عمومی ۲	
0/186	1/846	6/95	2/758	عمومی ۱	هویت اجتماعی
		8/51	1/049	عمومی ۲	
0/186	0/912	7/65	2/361	عمومی ۱	انحصارگرایی
		9	1/458	عمومی ۲	
0/226	-0/146	6/63	1/725	عمومی ۱	هویت خود
		7/06	1/843	عمومی ۲	
-0/891	-0/891	8/37	0/260	عمومی ۱	تأثیرپذیری مثبت
		9/20	1/181	عمومی ۲	
0/788	-0/358	10/66	-2/01	عمومی ۱	تأثیرپذیری منفی
		9/66	-0/385	عمومی ۲	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اساسی این پژوهش تبیین جنبه‌های اجتماعی و پیامدهای مثبت و منفی مشارکت دانشجویان در واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ بود که پیش از این در کمتر تحقیقی به آن توجه شده است؛ از این رو تحقیق حاضر به دلیل توجه به ابعاد روانی آشکار و پنهان مشارکت دانشجویان در واحدهای تربیت بدنی عمومی، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند برای برنامه‌ریزان واحدهای درسی مفید باشد.

بنا بر یافته‌های پژوهش، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار نیست. هویت ورزشی که از آن به‌عنوان نماد جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی یاد می‌شود، معیاری دقیق و البته متفاوت برای تعیین میزان و کیفیت نگرش و مشارکت ورزشی افراد محسوب می‌شود. ارتقای هویت ورزشی در فرد می‌تواند تا آنجا پیش رود که نقش ورزشکاری فرد، در مقایسه با سایر نقش‌ها، با قدرت بیشتری تأیید شود. این مسئله در

مورد واحد تربیت بدنی عمومی، کمی غیرواقعی به نظر می‌رسد، اما بررسی اثرات نسبی آن موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. هویت ورزشی، حاصل فرآیند نقش‌سازی پیچیده‌ای است که نتیجه آن ارائه رفتار مورد انتظار است. اگر واحد تربیت بدنی عمومی نتواند در مجموع مؤلفه‌هایش بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار باشد، در دستیابی به اهداف خود (که مهم‌ترین آن‌ها بهبود نگرش، مشارکت و رفتار ورزشی مورد انتظار از سوی دانشجویان است) ناتوان مانده است.

ارتقای هویت ورزشی در فرد به معنی درونی‌تر کردن نگرش وی به مشارکت ورزشی خود است و هر چه این فرآیند درونی‌سازی افزایش یابد، احتمال ادعا یا تأیید نقش ورزشکاری در محیط‌های اجتماعی ارتقاء می‌یابد، به طوری که در مورد ورزشکاران نخبه یا حرفه‌ای به نقش برتر یا تعیین‌کننده بدل می‌شود؛ از این رو ارتقای نسبی و حداقلی هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی به‌عنوان معیار نسبی درونی شدن نگرش مثبت به فعالیت بدنی و ارتقای انگیزه مشارکت ورزشی، هدف بسیار مهمی است که بر پایه یافته‌های پژوهش، توسط مدرسان واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند دنبال نمی‌شود و از این منظر با نتایج تحقیق رضانی (۱۳۸۱) همخوان و با نتایج تحقیق قنبرزاده (۱۳۷۰) مبنی بر اثربخش بودن واحدهای تربیت بدنی عمومی در دستیابی به اهداف عمومی خود ناهمخوان است (۲، ۳). اینکه مدرسان واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ تا چه اندازه با اهداف عمومی و اختصاصی این واحد درسی آشنا هستند و تا چه حد برنامه درسی پیاده شده، اهداف مورد نظر را دنبال می‌کند، مسئله‌ای است که اظهار نظر در مورد آن‌ها در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌گنجد.

بر مبنای یافته‌ها، ارتقای میانگین هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به میزان ۴/۵۸، با توجه به افزایش مشارکت ورزشی آن‌ها به دلیل شرکت در این واحد درسی امری طبیعی به نظر می‌رسد، اما آیا افزایش مشارکت ورزشی و حضور در واحدهای تربیت بدنی عمومی برای ارتقای هویت ورزشی کافی است؟ از عوامل مؤثر بر هویت ورزشی می‌توان به میزان توجه اختصاص یافته به ورزش از سوی فرد و توجه و انرژی‌های دریافتی از سوی دیگران اشاره کرد (۷). دانشجویان با حضور در این واحد درسی، خواسته یا ناخواسته مجبور می‌شوند بخشی از توجه خود را به ورزش و فعالیت بدنی اختصاص دهند و در پی آن، انرژی‌هایی مثبت یا منفی از دیگران، محیط و غیره دریافت می‌کنند که در صورت مثبت بودن این انرژی‌ها، زمینه برای ارتقای سطح نشاط و شادابی آنان به دلیل حضور در کلاس‌های تربیت بدنی عمومی فراهم می‌شود. حال تا چه حد اختصاص وقت و انرژی از سوی فرد، بدون در نظر

گرفتن اجبار برای حضور در کلاس‌های درسی، انتظارات اجتماعی خود و دیگران را برآورده می‌سازد، موضوعی است که باید به آن توجه شود. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ پتانسیل تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های هویت ورزشی را داراست؛ از این رو باید جزئیات اجرایی آن از سوی دست‌اندرکاران امر با دقت بیشتری بازبینی شود.

مشاهده هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ به تفکیک خرده مقیاس‌ها نشان می‌دهد که واحدهای تربیت بدنی عمومی بر خرده‌مقیاس‌های هویت اجتماعی، هویت خود و انحصارگرایی تأثیر مثبت داشته و آن‌ها را به‌طور معنی‌داری افزایش داده است، اما در مورد مؤلفه‌های تأثیرپذیری مثبت و منفی بی‌تأثیر و چه بسا دارای تأثیر منفی نیز بوده است؛ از این رو می‌توان معنی‌دار نبودن تأثیر واحد تربیت بدنی عمومی را بر هویت ورزشی دانشجویان به دلیل دریافت نکردن توجه و انرژی مثبت لازم و در ادامه، دریافت احساسات منفی و پاسخ به نتایج غیر مطلوب حضور در واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ دانست. یافته اخیر با نتایج تحقیق مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) و همچنین آندرسون (۲۰۰۴) ناهمخوان است (۱۴، ۱۵). از دلایل ناهمخوانی می‌توان به متفاوت بودن میزان و نوع مشارکت تمرینی آزمودنی‌ها اشاره کرد.

هویت اجتماعی که جایگاه ویژه‌ای در مباحث روان‌شناسی اجتماعی دارد، به معنی وجود یا در دسترس بودن افرادی است که فرد می‌تواند به آن‌ها اعتماد کند، به آن‌ها علاقه‌مند باشد و در نهایت، از آن‌ها انتظار حمایت داشته باشد. در واقع، هویت اجتماعی، آگاهی فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین است و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت به صورت سازه‌ای شناختی - اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود، در حالی که یکی از اهداف مهم تربیت بدنی، ارتقای شناخت، نگرش و روابط اجتماعی است.

بر پایه یافته‌ها، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خرده‌مقیاس هویت اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است که بار دیگر بر توانایی واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در بهبود تعاملات اجتماعی دانشجویان تأکید می‌کند. بدیهی است تعیین برنامه مدون و منسجم برای ارتقای مناسبات اجتماعی از طریق ورزش و فعالیت بدنی در چارچوب این واحد مهم درسی می‌تواند زمینه تأثیرگذاری هر چه بیشتر آن را فراهم کند. به‌علاوه، احتمالاً تعامل اجتماعی استاد و دانشجو نیز بر این خرده‌مقیاس اثرگذار است و باید از آن به‌عنوان متغیری مهم یاد کرد.

بر اساس یافته‌ها، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خرده‌مقیاس انحصارگرایی دانشجویان تأثیرگذار است. خرده‌مقیاس انحصارگرایی از اهمیت ورزش، در مقایسه با فعالیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی دیگر خبر می‌دهد، به‌طوری که فرد به مقایسه ورزش با سایر جنبه‌های

زندگی خود می‌پردازد و اولویت آن را مشخص می‌کند. اینکه واحد تربیت بدنی عمومی توانسته است اهمیت دادن به ورزش را در زندگی دانشجویان افزایش دهد، نتیجه مثبتی است که با توجه به یافته‌های پژوهش مشاهده می‌شود. آنچه مسلم است، روز به روز تأکید بر اهمیت ورزش و فعالیت بدنی در جامعه بیشتر می‌شود و تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر لزوم قرارگیری فعالیت بدنی منظم به‌عنوان بخش قابل توجهی از سبک زندگی وجود دارد که می‌تواند به صورت احتمالی بر نتایج تحقیق حاضر تأثیرگذار باشد.

نتایج نشان می‌دهد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خرده‌مقیاس هویت خود در دانشجویان تأثیرگذار است. این یافته مؤید این امر است که واحد تربیت بدنی عمومی ۱ می‌تواند میزان آگاهی فرد را از نقش ورزشکاری خود به‌طور معنی‌داری ارتقاء بخشد که ممکن است به دلیل افزایش مشارکت ورزشی دانشجویان، تأثیرات روانی و فیزیولوژیک واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و همچنین افزایش شناخت ورزشی آنان باشد. این یافته با نتایج تحقیق آندرسون (۲۰۰۴) همخوان است.

بنا بر یافته‌های پژوهش، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خرده‌مقیاس تأثیرپذیری مثبت دانشجویان تأثیر ندارد. تأثیرپذیری مثبت به احساسات خوب فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی گفته می‌شود؛ از این رو این نتیجه زنگ خطری برای دست‌اندرکاران تربیت بدنی در دانشگاه بیرجند محسوب می‌شود. واحد درسی‌ای که با وجود تمامی نکات مثبت و اثربخش، نتواند زمینه‌ساز ایجاد احساسات خوب در افراد باشد، در نهایت، نتیجه مورد انتظار را به دنبال نخواهد داشت. چه بسا نتایج خرده‌مقیاس تأثیرپذیری منفی مؤید این مطلب است که شرکت نکردن دانشجویان در کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی، نه تنها احساسات منفی در آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد احساسات مثبت نیز می‌شود. همین عوامل است که روی هم رفته اثرات مثبت واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشجویان را خنثی کرده و باعث شده است که هویت ورزشی دانشجویان در مجموع با تغییر جدی مواجه نشود.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در جذب دانشجویان ناموفق باشند. دانشجو زمانی می‌تواند اهداف واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ را با جدیت دنبال کند که خود با علاقه‌مندی بیش از پیش در کلاس‌ها حضور یابد و احساسات مطلوبی از حضور خود در این کلاس‌ها دریافت کند.

بنا بر یافته‌های پژوهش واحد تربیت بدنی عمومی ۲ دانشگاه بیرجند نیز بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار نیست که نشان می‌دهد احتمالاً نحوه اجرای واحد درسی تربیت بدنی، کیفیت تعامل استاد و دانشجو و در نهایت، ملموس بودن نتایج مطلوب آن از محتوای درسی

واحد تربیت بدنی مهم‌تر است. به‌علاوه، بررسی مؤلفه‌های هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک خرده‌مقیاس نشان می‌دهد واحد تربیت بدنی عمومی ۲ تنها بر خرده‌مقیاس هویت خود دانشجویان تأثیرگذار بوده و برخلاف واحد تربیت بدنی عمومی ۱، در تأثیرگذاری بر خرده‌مقیاس‌های انحصارگرایی و هویت اجتماعی دانشجویان ناموفق است. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد با وجود معنی‌دار نبودن تأثیرگذاری هر دو واحد تربیت بدنی ۱ و ۲، واحد تربیت بدنی عمومی ۲ اثربخشی کمتری دارد که این نتیجه، با توجه به محتوای تخصصی‌تر واحد تربیت بدنی عمومی ۲ کمی دور از انتظار بود. با این حال، به نظر می‌رسد واحد تربیت بدنی عمومی ۲ به‌طور نسبی بتواند در افزایش شناخت از ورزشی خاص موفق باشد، اما در ارتقای هویت ورزشی که هدف والاتری است، اثربخش نیست.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد دو عامل محتوای واحدهای تربیت بدنی و نحوه ارائه آن در به‌دست آمدن یافته‌های اخیر که مهم‌ترین آن‌ها ناتوانی واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ در ارتقای هویت ورزشی دانشجویان است تأثیرگذار باشند. احتمال می‌رود تدریس سلیقه‌ای واحدهای تربیت بدنی عمومی بدون توجه به اهداف تعیین شده، نبود هماهنگی میان اهداف و نحوه اجرای واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲، نبود شاخص‌ها و صلاحیت‌های اختصاصی مشخص برای انتخاب مدرسان این واحدهای مهم درسی، کلیشه‌ای برگزار شدن کلاس‌ها و استفاده نکردن از امکانات روزآمد ورزشی، نوآوری‌های آموزشی و امکانات کمک‌آموزشی در تدریس این واحدها، عدم تنوع بخشی رشته‌ای و طول زمان درگیری دانشجو در این واحدهای درسی و در نهایت، نبود نظارت دقیق و منظم بر عملکرد مدرسان و اثربخشی واحدها عوامل مؤثر بر این ناتوانی باشند که باید بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران بعدی، برنامه‌ریزان آموزشی و مجریان قرار گیرد.

منابع:

۱. جوادیان صراف، نصراله، (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. گزارش طرح پژوهشی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. قنبرزاده، محسن، (۱۳۷۰). بررسی کارایی و نحوه اجرای واحد تربیت بدنی (۱) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و مسئولین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳. رضانی، علی، (۱۳۸۱). بهینه‌سازی تربیت بدنی ۱ و ۲ از دیدگاه اعضای هیئت علمی و

دانشجویان پسر دانشگاه‌های منتخب تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.

۴. بنیان، عباس، کاشف، مجید، (۱۳۸۳). بررسی محتوا و شیوه ارزشیابی واحد تربیت بدنی عمومی (۱) دانشگاه‌های کشور. پژوهش در علوم ورزشی، ۲ (۵): ۱۵-۲۶.

5. Brewer, B.W., Van Raalte, J.L., Linder, D.E. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel? *International Journal of Sport Psychology*, 24: 237-254.
6. Stephan, Y., Brewer, B.W. (2007). Perceived Determinants of Identification with the Athlete Role among Elite Competitors. *Journal of Applied Sport Psychology*, 19: 67-79, 2007.
7. Cieslak, T. J. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation. The Ohio State University.
8. Martin, J.J., Mushett, C.A., Eklund, R.C. (1994). Factor structure of the athletic identity measurement scale with adolescent swimmers with disabilities. *Brazilian International Journal of Adapted Physical Education Research*, 1: 87-99.
9. Matheson, H., Brewer, B.W., Van Raalte J.L., Andersen, B. (1994). Athletic identity of national level badminton players: a cross-cultural analysis. In: Reilly, T.M., Hughes, M., Lees, A., editors. *Science and racket sports*. London: E & FN Spon.
10. Tasiemski, T., Kennedy, P., Gardner, B.P., Rachel, A. (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. *Adapted Phys Activity Q*, 21:364-78.
11. Good, A.J., Brewer, B.W., Petitpas, A.J., Van Raalte, J.L., Mahar, M.T. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. *The Academic Athletic Journal*, 8: 1-12.
12. Wiechman, S.A., Williams, J. (1997). Relationship of athletic identity to injury and mood disturbance. *Journal of Sport Behavior*, 20: 199-210.
13. Hurst, R., Hale, B., Smith, D., Collins, D. (2000). Exercise dependence, social physique anxiety and social support in experienced and non-experienced body builders and weightlifters. *Br Journal Sports Medicine*, 34:431-5.
14. Mills, A.L., Christensen, S.A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 9(6): 472-478
15. Anderson, C. B., Masse, L.C., Hergenroeder, A.C. (2007). Factorial and construct validity of the athletic identity questionnaire for adolescents. *Medicine & Science in Sports & Exercise*, 39(1):59-69.

16. Derick, J.W. (2008). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student-athletes. Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences, Vol 68(7-A), pp. 2834.

